



بهره‌گیری از انسان‌شناسی و زبان‌شناسی؛ راز موفقیت ایزوتسو بود

استاد دانشگاه شهید بهشتی، اضافه کرد: ایزوتسو از دو دانش؛

استاد دانشگاه شهید بهشتی، اضافه کرد: ایزوتسو از دو دانش؛ انسان‌شناسی و زبان‌شناسی خیلی بهره گرفت و همین مسئله سبب شد تا اگر جلد کتاب او را جدا کنیم و به یک مسلمان بدهیم بعید است او بفهمد که این کتاب توسط یک فرد غیرمسلمان نوشته شده است.

بهره‌گیری از انسان‌شناسی و زبان‌شناسی؛ راز موفقیت ایزوتسو بود به گزارش ایکنا، قاسم درزی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی، ۱۷ خرداد ماه در نشست علمی «مفاهیم اخلاقی در قرآن؛ بازخوانی رویکرد میان رشته ای ایزوتسو به مفاهیم اخلاقی در قرآن» با اشاره به آثار خاورشناسان در مورد قرآن کریم، گفت: آثاری که در قرون وسطی در جهان اسلام و توسط خاورشناسان نوشته شدند تلاش کردند تا چهره منفی و بدی از اسلام بر جای بگذارند و آن را تحریف کنند از جمله اینکه سراغ آیاتی از قرآن رفتند که صرفاً به جنگ و جهاد توجه دارد و اصلاً سراغ آیات رحمت و محبت و بشارت نرفتند.

وی افزود: در همین دوره قرآن منتسب به یکسری از کتب مقدس مسیحی و یهودی می‌شود و تلاش می‌کنند تا ریشه قرآن را مطالب تورات و انجیلی بدانند و اتهاماتی هم به پیامبر(ص) زده می‌شود؛ در دوره رنسانس و با ظهور مارتین لوتر نگاه بازتر و متفاوت تری نسبت به اسلام صورت گرفت یعنی آن نگاه تک وجهی که فقط مسیحیت و کلیسا حق هستند و مابقی ادیان باید کنار گذاشته شوند رو به افول رفت و رویکرد مثبت تری ایجاد شد.

درزی با بیان برخی خاورشناسان تلاش کردند تا نشان دهند بخش قابل توجهی از قرآن ریشه در زبان عبری، سریانی و متون یهودی دارد، اظهار کرد: این کارها به قدری سوگیرانه بود که توسط عده دیگری از خاورشناسان مورد نقد جدی قرار گرفت و تعدیل شد؛ در این دوره آثاری چون تاریخ قرآن تئودور نولدکه و مطالعات اسلامی گلدزیهر را داریم که در قرن ۲۰ نوشته شده است.

وی افزود: نگاه اینها علمی تر و مباحث هم قابل توجه تر نسبت به گذشته است گرچه باز کسی مانند گلدزیهر نگاهی سوگیرانه را داشت و معتقد بود که اسلام و قرآن از یهودیت وام گرفته است و حتی تلاش کرد تا این ایده را بپروراند؛ گلدزیهر روی برخی واژه‌ها مانند جهل کار کردند؛ او معتقد بود که جهل در قرآن در برابر علم نیست و عصر جاهلیت هم عصر نادانی نیست بلکه در برابر حلم و تواضع است یعنی اعراب در دوره جاهلی افراد با حلم و تواضع نبودند بلکه تعصبات جاهلی و تکبر می‌ورزیدند.

نگاه بدبینانه گلدزیهر

استاد دانشگاه شهید بهشتی با بیان اینکه بعد از گلدزیهر این ایده با اقبال بیشتری روبرو شد، گفت: از جمله کسانی که در این زمینه کتابی هم نوشت مرحوم ایزوتسو بود. البته در قرن ۲۰ حتی افراد سوگیرانه مجبور شدند به کارهای آکادمیک روی بیاورند و کتاب تاریخ قرآن نولدکه یکی از آثار اثرگذار در غرب است.

درزی با بیان اینکه گلدزیهر نگاه بدبینانه به قرآن داشت و این نگاه توسط برخی افراد دیگر پیگیری شد، اظهار کرد: یک رویکرد تجدیدنظرطلب هم در این دوره بروز و ظهور یافت و در متون اسلامی تردید ایجاد کردند و گفتند منابع اسلامی، ساخته و پرداخته اواخر قرن دوم است و حتی قرآن را هم واجد این موضوع دانستند؛ کسانی چون جان ونزبرو، جزء افراد شاخص این دسته هستند و معتقد بودند منابع اسلامی، اصیل نیست.

رویکرد میانه مستشرقان در مواجهه با قرآن

وی ادامه داد: در اواخر قرن ۲۰ شاهد ظهور رویکردی میانه هستیم که مونتسکی، فرد شاخص این جریان است؛ این دسته منتقد رویکرد افراطی کسانی چون گلدزیهر بودند، یعنی نوعی خودانتقادی در غرب ایجاد شد و این تغییر رویکرد هم مهم و هم دلایلی داشته است و این سؤال را پیش روی ما می‌گذارد که چرا این طور شده است؟ اولین دلیل تغییراتی است که در فلسفه علم ایجاد شد؛ پوزیتیویست‌ها در قرن ۲۰، نگاهی پوزیتیویستی به علم داشتند ولی اندیشمندان دیگری این نظریه را که فقط هر چیزی با حواس ۵ گانه درک شود، علم است زیر سؤال بردند و نقد جدی وارد کردند.

وی ادامه داد: با رویکرد پوزیتیویستی، اعتبار علوم انسانی از بین رفت و بعداً ابطال‌گرایانی چون پوپر تلاش کردند تا به نقد آنها بپردازند و در نتیجه علوم انسانی اعتبار مجدد خودش را پیدا کرد. بنابراین خودانتقادی در غرب سبب پیشرفت علوم انسانی هم شد.

درزی اظهار کرد: وقتی اعتبار علوم انسانی در ابتدا کنار گذاشته شد علومى چون زبان شناسى و .. به حاشیه رفت و علوم تجربى، محوریت پیدا کرد ولى با ابطال پوزیتیویست ها، دانش علوم انسانی هم در غرب اعتبار خود را بازیافت. یک غربى می خواست در مورد شرقى پژوهش کند که اصلا او را نمى شناسد و زبان او را نمى فهمد لذا شناخت او هم دقیق نیست و زمانى این شناخت دقیق است که بتوانند همدیگر را از طریق زبان شناسى و انسان شناسى بشناسند؛ از این رو این دو شاخه علمى خیلى در تغییر رویکرد غرب مؤثر بود و نمونه بارز آن ایزوتسو است.

بهره گیرى ایزوتسو از انسان شناسى و زبان شناسى

استاد دانشگاه شهید بهشتى، اضافه کرد: ایزوتسو از این دو دانش خیلى بهره گرفت و همین مسئله سبب شد تا اگر جلد کتاب او را جدا کنیم و به یک مسلمان بدهیم بعید است او بفهمد که این کتاب توسط یک فرد غیرمسلمان نوشته شده است و قطعا خواهند گفت که یک عالم قرآن پژوه این کتاب را نوشته است زیرا با قلم یک اندیشمند مسلمان تفاوتى ندارد و این به خاطر علمى بودن روش وی در نگارش کتاب است.

درزى بیان کرد: ایزوتسو مدتی در ایران بود؛ آقای مهدى محقق در کانادا با وی آشنا شد؛ او چندسالى به صورت پاره وقت و دو یا سه سال هم به صورت مقیم و تمام وقت در دانشگاه تهران حضور داشت؛ او کتاب مهم خدا و انسان در قرآن و مفاهیم اخلاقى در قرآن را دارد که به نظر بنده جزء دو کتاب برجسته و مهم قرآنى محسوب مى شوند که هر دو رویکرد زبان و انسان شناسى بر آن حاکم است.

استاد دانشگاه شهید بهشتى بیان کرد: ایزوتسو به زبان های متعدد و شاید با ده زبان و مکاتب زبان شناسى مسلط و آشنا بود، همچنین با مکاتب انسان شناسى هم آشنایى داشت و در حقیقت یک انسان شناس بود؛ او بین شرقى ها زندگى مى کرد و در مؤسسات مطالعات اسلامى تدریس و ارتباط نزدیکی با مسلمانان داشت. وی در سال ۱۹۱۴ در ژاپن به دنیا آمد و در سال ۱۹۹۳ هم در کاماکورا درگذشت.

درزى بیان کرد: او استاد فلسفه دانشگاه مک گیل کانادا و چندسال استاد مدعو دانشگاه تهران بود و اولین استادان اسلامى وی هم عبدالرشید تارنارى و موسى جارالله از محققان اهل سنت هستند که اینها میانه خوبى هم با شیعه نداشتند؛ مصاحبه جالبى با ایزوتسو صورت گرفته است و او مطالب حیرت انگیزی در مورد استادش یعنی جارالله دارد و این که او خیلى فقیرانه زندگى مى کرد و اصلا شخصیت شناخته شده ای نبود ولى حافظه بسیار قوی و قدرتمندى داشت و هر چیزى را که مى خواند فوراً حفظ مى کرد و این باعث حیرت ایزوتسو شده بود.

اولین مترجم قرآن به ژاپنى

درزى اضافه کرد: موسى جارالله زبان های متعددى را بلد بود و این مسئله به ایزوتسو هم سرایت کرد؛ ایزوتسو اولین کسى است که قرآن را به زبان ژاپنى ترجمه کرد؛ او در سال ۱۹۶۱ به دعوت اسمیت، رئیس مؤسسه مطالعات اسلامى مک گیل به کانادا رفت و متون اسلامى مانند نجات ابن سینا، اقتصاد غزالى و فصوص محى الدین عرب را تدریس کرد و عرفان ابن عربى را با عرفان تزو مقایسه کرد.

استاد دانشگاه شهید بهشتى با اشاره به کتاب مفاهیم اخلاقى دینى در قرآن با بیان اینکه وی رویکردى عادلانه به قرآن کریم دارد، افزود: این کتاب بنابر نظر خود ایزوتسو قبلا عنوان ساختار اصطلاحات اخلاقى در قرآن نام داشت که توسط دانشگاه کیو در توکیو منتشر شد؛ وی بعداً این کتاب را ویراستارى و متحول کرد و با عنوان مفاهیم اخلاقى دینى در قرآن منتشر کرد و علت این مسئله را هم در این مى داند که وقتى سخن از اصطلاحات اخلاقى قرآن بود این تصور وجود دارد که من همه اصطلاحات اخلاقى را جمع کرده ام در حالى که بناى من این نبود و درباره بخشى از اصطلاحات صحبت کرده ام به همین دلیل آن را تغییر دادم.

نوپا بودن مطالعات قرآنى در ژاپن

درزى اضافه کرد: پیش گفتار این کتاب به قلم آقای حسین معصومى همدانى است زیرا او قبل از انتشار ترجمه این کتاب، نقدى بر آن نوشت و وقتى ترجمه شد به عنوان یک نقد خوب مدنظر قرار گرفت و واجد نکات خوبى است؛ از جمله این که او گفته است که رهیافت ایزوتسو به قرآن رهیافت کسى است که مى خواهد الفباى زبان قرآن را فرابگیرد و این را معلول جوانى اسلام شناسى در ژاپن مى داند زیرا در ژاپن در آن دوره قرآن پژوهى نداشتیم و ما کسى را با این عنوان نمى شناختیم. ضمن اینکه ارتباط فرهنگ ژاپنى با ادیان سامى مانند مسیحیان و یهودیان و مسلمین تا حدود زیادى قطع است.

وی افزود: مسیحیان مستشرق مطالعات و آشنایى با اسلام و قرآن کریم داشتند و تلاش کردند تا بگویند اسلام، ورژن دوم و سوم مسیحیت و یهودیت است ولى هیچ محقق ژاپنى چنین ادعاى ندارد و اینکه ایزوتسو هم با احتیاط قدم برمى دارد به خاطر آن

است که اسلام شناسی در ژاپن در دوره طفولیت خود است. البته بنده نگاه ایشان را خیلی قبول ندارم زیرا اصلا رویکرد ایزوتسو با اینکه تازه است ولی خام و نپخته نیست برخلاف کارهای کسانی مانند لوزنبرگ که خامی زیادی در آنها دیده می شود.

ایکنا